

حکایت مارگیر

تالیف مولانا جلال الدین محمد بلخی

مثنوی معنوی

دفتر دوم

براساس نسخه‌ی رینولد نیکلسون

انتشارات آلیوم

تهران - ۱۳۹۲

سرشناسه	: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق
عنوان قراردادی	: مثنوی، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: حکایت مارگیر، براساس نسخهٔ ریخوند نیلسون/تألیف جلال الدین محمد بنخی
مشخصات نشر	: تهران: آلبوم، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۱۸۰ ص.
فروست	: مثنوی معنوی؛ دفتر دوم
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۲۳-۱-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
موضوع	: شعرفارسی - قرن ۷ق
شناسه افزوده	: نیلسون، رتدل‌الین، ۱۸۶۸ - ۱۹۲۵م، مصحح
رده بندی کنگره	: ر ی ۱۳۹۲ PIR۵۲۹۹/۱۱
رده بندی دیویی	: ۸۱۶/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۰۰۲۱۱

فهرست

مقدمه	۹
سرآغاز	۱۱
هلال پنداشتن آن شخص خیال را در عهد عُمر	۱۵
دزدیدن مارگیر ماری را از مارگیر دیگر	۱۷
التماس کردن همراه عیسی زنده کردن استخوان‌ها	۱۷
اندرز کردن صوفی خادم را در تیماردانست بهیمه	۱۸
بسته شدن تقریر معنی حکایت به سبب میل مستمع	۱۹
گمان بردن کاروانیان که بهیمه‌ی صوفی را خور است	۲۰
یافتن پادشاه باز را به خانه‌ی کمپیزن	۲۵
حلولاً خریدن شیخ احمد خُضْرویه جهت غریمان	۲۷
ترسانیدن شخصی زاهدی را که کم‌گری تا کور نشوی	۳۰
تمامی قصه‌ی زنده شدن استخوان‌ها به دعای عیسی	۳۱
خاریدن روستایی در تاریکی شیر را به طنّ آنکه گاو اوست	۳۳
فروختن صوفیان بهیمه‌ی مسافر را جهت سماع	۳۳
تعریف کردن منادیان قاضی مفلسی را گرد شهر	۳۶
شکایت کردن اهل زندان پیش وکیل قاضی از دست آن مجلس	۳۸
تتمه‌ی قصه‌ی مفلس	۳۹
مَثَل	۴۳
ملامت کردن مردم شخصی را که مادرش را کُشت به تهمت	۴۵
امتحان پادشاه به آن دو غلام که نو خریده بود	۴۸

- ۴۹ به راه کردن شاه یکی را از آن دو غلام و از این دیگر پرسیدن
- ۵۰ قسم غلام در صدق و وفای یار خود از طهارت ظن خود
- ۵۶ حسد کردن حشم بر غلام خاص
- ۶۲ کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در جوی آب
- ۶۴ فرمودن والی آن مرد را که آن خارین را که نشانده‌ای
- ۷۱ آمدن دوستان به بیمارستان جهت ذاللتون
- ۷۳ فهم کردن مریدان که ذاللتون دیوانه نشده است
- ۷۴ رجوع به حکایت ذاللتون
- ۷۴ امتحان کردن خواجهی لقمان زیرکی لقمان را
- ۷۶ ظاهر شدن فصل و زیرکی لقمان پیش امتحان‌کنندگان
- ۷۹ تتمه‌ی حسد آن حشم بر آن غلام خاص سلطان
- ۸۰ عکس تعظیم پیغام سلیمان در دل بلقیس از
- ۸۲ انکار فلسفی بر قرائت اِنْ اَصْحٰى مَاؤُكُمْ غَوْرًا
- ۸۵ انکار کردن موسی بر مناجات شبان
- ۸۷ عتاب کردن حق تعالی موسی را از بهر شبان
- ۸۸ وحی آمدن موسی را در عذر آن شبان
- ۹۰ پرسیدن موسی از حق تعالی سر غلبه‌ی ظالمان
- ۹۲ رنجانیدن امیری خفته‌یی را که مار در دهانش رفته بود
- ۹۵ اعتماد کردن بر تملق و وفای خرس
- ۹۷ گفتن نابینایی سائل که دو کوری دارم
- ۹۸ تتمه‌ی حکایت خرس و آن ابله که بر وفای او
- ۹۹ گفتن موسی گوساله‌پرست را که آن خیال اندیشی
- ۱۰۱ ترک گفتن آن مرد ناصح بعد از مبالغه‌ی پند
- ۱۰۲ تملق کردن دیوانه جالینوس را و ترسیدن جالینوس
- ۱۰۲ سبب پریدن و چریدن مرغی با مرغی که جنس او نبود

تتمه‌ی اعتماد آن مغرور بر تملق خرس	۱۰۳
رفتن مصطفی به عیادت صحابی رنجور و بیان	۱۰۴
وحی کردن حق تعالی به موسی که چرا به عیادت من نیامدی	۱۰۵
تنها کردن باغبان صوفی و فقیه علوی را از همدیگر	۱۰۶
رجعت به قضای مریض و عیادت پیغامبر	۱۰۸
گفتن شیخی ابا یزید را که کعبه منم گرد من طوافی می‌کن	۱۰۸
حکایت	۱۰۸
دانستن پیغامبر که سبب رنجوری آن شخص	۱۰۹
عذر گفتن دلقک با سگ که چرا فاحشه را نکاح داد	۱۱۳
به حیلت در سخن آوردن سائل آن بزرگ را که خود	۱۱۳
حمله بردن سگ بر کور کدا	۱۱۴
خواندن محتسب مست خراب افتاده را به زندان	۱۱۵
دوم بار در سخن کشیدن سائل آن بزرگ را	۱۱۶
تتمه‌ی نصیحت رسول بیمار را	۱۱۹
وصیت کردن پیغامبر مر آن بیمار را و دعای آموزیدنش	۱۲۳
بیدار کردن ابلیس معاویه را که خیز وقت نماز است	۱۲۵
از خر فکندن ابلیس معاویه را و روپوش و بهانه کردن	۱۲۵
باز جواب گفتن ابلیس معاویه را	۱۲۶
باز تقریر کردن معاویه با ابلیس مکر او را	۱۲۷
باز جواب گفتن ابلیس معاویه را	۱۲۸
عنف کردن معاویه با ابلیس	۱۲۹
نالدیدن معاویه به حضرت حق تعالی از ابلیس و نصرت خواستن	۱۳۰
باز تقریر ابلیس تلخیص خود را	۱۳۰
باز الحاح کردن معاویه ابلیس را	۱۳۱
شکایت قاضی از آفت قضا و جواب گفتن نایب او را	۱۳۱

- ۱۳۲ به اقرار آوردن معاویه ابلیس را.
- ۱۳۲ راست گفتن ابلیس ضمیر خود را به معاویه ۲.
- ۱۳۳ فضیلت حسرت خوردن آن مخلص بر فوت نماز جماعت.
- ۱۳۳ تتمه‌ی اقرار ابلیس به معاویه مکر خود را.
- ۱۳۴ فوت شدن دزد به آواز دادن آن شخص صاحب‌خانه را.
- ۱۳۵ قصه‌ی منافقان و مسجد ضار ساختن ایشان.
- ۱۳۶ فریفتن منافقان پیغمبر را تا به مسجد ضارارش بزنند.
- ۱۳۸ اندیشیدن یکی از صحابه به انکار که رسول ۹.
- ۱۳۹ قصه‌ی آن شخص که اشتر ضاله‌ی خود می‌جست و می‌پرسید.
- ۱۴۰ متردد شدن در میان مذمب‌های مخالف و بیرون شدن.
- ۱۴۱ امتحان هر چیزی تا ظاهر شود خیر و شری که در وی است.
- ۱۴۲ شرح فایده‌ی حکایت آن شخص شتر جوینده.
- ۱۴۴ بیان آنکه در هر نفسی قصه‌ی مسجد ضرار هست.
- ۱۴۴ حکایت هندو که با یار خود جنگ می‌کرد برکاری و خبر.
- ۱۴۵ قصد کردن غزان به کشتن یک مردی تا آن دگر بترسد.
- ۱۴۶ بیان حال خودپرستان و ناشکران در نعمت وجود انبیا و اولیا.
- ۱۴۷ شکایت گفتن پیرمردی به طبیب از رنجوری‌ها و جواب گفتن.
- ۱۴۹ قصه‌ی جوحی و آن کودک که پیش جنازه‌ی پدر خویش.
- ۱۵۰ ترسیدن کودک از آن شخص صاحب جثه و گفتن آن.
- ۱۵۱ قصه‌ی تیراندازی و ترسیدن او از سواری که در.
- ۱۵۱ قصه‌ی اعرابی و ریگ در جوال کردن و ملامت کردن آن.
- ۱۵۳ کرامات ابراهیم ادهم قدس الله روحه العزیز بر لب دریا.
- ۱۵۴ آغاز منور شدن عارف به نور غیب‌بین.
- ۱۵۷ طعنه زدن بیگانه‌یی در شیخ و جواب گفتن مرید شیخ او را.
- ۱۵۸ بقیه‌ی قصه‌ی ابراهیم بر لب آن دریا.

دعوی کردن آن شخص که خدای تعالی مرا نمی‌گیرد به گناه.....	۱۶۰
بقیه‌ی قصه‌ی طعنه زدن آن مرد بیگانه در شیخ.....	۱۶۱
گفتن عایشه مصطفی را که تو بی‌مصلّا به هر جا.....	۱۶۲
کشیدن موش مهارِ شتر را و معجب شدن موش در خود.....	۱۶۳
کرامات آن درویش که در کشتی متهمش کردند.....	۱۶۵
تشنجه صوفیان بر آن صوفی که پیش شیخ بسیار می‌گوید.....	۱۶۶
عذر گفتن فقیر به شیخ.....	۱۶۷
بیان دعوی‌یی که عین آن دعوی گواه صدق خویش است.....	۱۶۹
سجده کردن یحیی در شکم مادر مسیح ۷ را.....	۱۷۰
اشکال آوردن بر این قصه.....	۱۷۱
جواب اشکال.....	۱۷۱
سخن گفتن به زبان حال و فهم کردن آن.....	۱۷۲
پذیرا آمدن سخنِ باطل در دل باطلان.....	۱۷۲
جستن آن درخت که هر که میوه‌ی آن درخت خورد نمیرد.....	۱۷۲
شرح کردن شیخ سرّ آن درخت با آن طالب مقلّد.....	۱۷۳
منازعت چهار کس جهت انگور که هر یکی به نام.....	۱۷۴
برخاستن مخالفت و عداوت از میان انصار.....	۱۷۶
قصه بط‌بچگان که مرغ خانگی پروردشان.....	۱۷۸
حیران شدن حاجیان در کرامات آن زاهد که در.....	۱۷۹

مقدمه

بیان بعضی از حکمت تأخیر این مجلد دوم که اگر جمله‌ی حکمت الهی بنده را معلوم شود در فواید آن کار بنده از آن کار فرو ماند و حکمت بی‌پایان حق ادراک او را ویران کند و بدان کار نپردازد.

پس حق تعالی شمه‌ی از آن حکمت بی‌پایان مهاربینی او سازد و او را بدان کار کشد که اگر او را از آن نایده هیچ خیر نکند هیچ نجنبند؛ زیرا جنباننده از بهرهای آدمیان است که از بهر آن مصاحت کنیم و اگر حکمت آن بر وی فرو ریزد هم نتواند جنبیدن چنان که اگر در بینی اشتر مهار نبود نرود و اگر مهار بزرگ بود هم فرو خسید و *إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ*.

خاک بی‌آب کلوخ نشود و چون آب بسیار باشد هم کلوخ نشود و *السَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ* به میزان دهد هر چیزی را نه بی‌حساب و بی‌میزان الاکسانی را که از عالم خلق مبدل شده‌اند و *يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ* شده‌اند و *مَنْ لَمْ يَدُقْ لَمْ يَدِرْ*.

پرسید یکی که عاشقی چیست گفتم که چو ما شوی بدانی
عشق محبت بی‌حساب است جهت آن گفته‌اند که صفت حق است به حقیقت و نسبت او به بنده مجاز است *يُحِبُّهُمْ* تمام است *يُحِبُّونَهُ* کدام است.